

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونگه ولت  
نوشته: تورین آستن، کوتزالتانگو  
برگردان: حمید علوی  
۱۴ سپتمبر ۲۰۲۲

**برخی که زمانی مارکسیست-لنینیست های سرسختی بودند،  
اکنون به عنوان خائن به طبقه کارگر و منافع مردم عمل می کنند.**



Foto: Ifredo Zuniga/AP/dpa

«نظم جدید جهانی چند قطبی خواهد بود»

درباره پیشرفت اجتماعی در نیکاراگوئه و مبارزه قدرت علیه امپریالیسم ایالات متحده. مصاحبه با خورخه کاپلان دلونگو

**جنبش چریکی سابق (FSLN) Frente Sandinista de Liberación Nacional، که اکنون یک حزب سیاسی**

**چیگرا است، ۱۵ سال پیش در نیکاراگوئه به قدرت بازگشت. چه تغییراتی در نیکاراگوئه می بینید؟**

من در طول دهه ۱۹۸۰ در طول جنگ ضد جنگ در نیکاراگوئه زندگی کردم، سپس چند سال در اروپا زندگی کردم. از سال ۲۰۰۴ در یک جنبش اجتماعی علیه تلاش‌ها برای خصوصی‌سازی آب در نیکاراگوئه کار کردم، دوباره به مدت شش ماه در نیکاراگوئه زندگی کردم و از سال ۲۰۰۹ برای همیشه به کشور بازگشتم. در ۱۵ سال حکومت ساندینیستا می توان گفت: نیکاراگوئه امروز کشور متفاوتی شده است. من می خواهم این را با چند مثال عینی توضیح دهم.

کل منطقه دریاچه ماناگوا اینجا در پایتخت ماناگوا، منطقه ای پر از بارها و فحشاء بود، کودکانی که به مستها آدامس می فروختند، صدها خانواده در یک فضای محدود و بدون سرپناه زندگی می کردند.

این امروز دیگر وجود ندارد.

منطقه اطراف دریاچه ماناگوا اکنون یک منطقه تفریحی بزرگ است، «Puerto Salvador Allende»، که خانواده های ماناگوائی می توانند اوقات فراغت خود را در آن بگذرانند، ورودی پنج کوردوبا (حدود ۰.۱۴ یورو) است و برای بازنشستگان رایگان است.

در دوران نئولیبرالیسم، پس از شکست انتخاباتی ساندینیستاها در سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، هیچ چیز در اینجا کار نمی کرد، برق فقط برای یک یا دو ساعت در روز و آب برای ۲۰ دقیقه در دسترس بود. در بیمارستان های دولتی مجبور بودید وسایل خود مانند دستکش را همراهتان بیاورید.

در مدارس دولتی، بچه ها مجبور بودند میز تحریر خودشان را بیاورند و سپس مدارس دولتی که در واقع رایگان بودند، از والدینشان خواستند که هزینه برق و آب را بپردازند.

امروزه بیمارستان های جدید متعدد، زیرساخت های روستائی، توسعه ورزش، ساخت امکانات ورزشی جدید و استادیوم های فوتبال وجود دارد.

البته نیکاراگوه کشور فقیری است، اما من قبلاً در سویدن زندگی می کردم، یکی از ثروتمندترین کشورهای اروپا: مراقبت در کلینیک های عمومی در نیکاراگوه با سویدن قابل مقایسه است.

دلیل این که نیکاراگوه ضعیف ترین اقتصاد را در امریکای مرکزی دارد، نتیجه تجارت ناعادلانه جهانی و استعمار است.

اکثریت مردم در شرایط مسکن ساده و متوسط زندگی می کنند، اما خدمات اولیه در زمینه های بهداشت، آموزش و تحرک امروزه در نیکاراگوه تضمین شده است. اقتصادهای قوی تری در امریکای مرکزی و لاتین هستند که نمی توانند این را برای مردم خود تضمین کنند.

### **آیا هنوز بخش خصوصی در آموزش و بهداشت وجود دارد یا همه چیز دولتی است؟**

یک بخش خصوصی وجود دارد. در مورد آموزش، فلسفه دولت این است که کسانی که خواهان آموزش خصوصی هستند و توانائی پرداخت آن را دارند، آزادند که این کار را انجام دهند.

اما سیستم آموزش دولتی امروز بدتر از خصوصی نیست. توسعه خوبی در آموزش، فناوری و گردشگری وجود دارد. این برای نیکاراگوه بسیار مهم است، حتی اگر گردشگری از ایالات متحده و اروپا از سال ۲۰۱۸ بشدت کاهش یافته است.

### **چه پیشرفت های اجتماعی دیگری می بینید؟**

قیمت حمل و نقل عمومی محلی از سال ۲۰۰۷ (زمانی که دانیل اورتگا روی کار آمد) تغییر نکرده است. هزینه یک بلیط اتوبوس پنج کوردوبا است، و امروز می توانید در خیابان ها راه بروید بدون این که مورد حمله قرار بگیرید و از شما سرقت شود..

نکته دیگر منبع تأمین انرژی است: امروزه در نیکاراگوه، ۸۵ درصد از انرژی های پاک و تجدیدپذیر پوشش داده می شود و تنها ۱۵ درصد آن بر پایه نفت است.

در دوران حاکمیت نئولیبرالیسم، این نسبت به طور قابل توجهی بیشتر بود. ۹۸.۵ درصد از مردم نیکاراگوه در حال حاضر به شبکه برق متصل هستند، در مقایسه با دوران نئولیبرالیسم این مقدار حدود ۵۰ درصد در دهه ۱۹۹۰ بود.

## چگونه این امر محقق شد؟

کلید این موفقیت ها انقلاب ۱۹۷۹ علیه رئیس جمهور سوموزا، یکی از وحشتناک ترین دیکتاتوری های امریکای لاتین است. پس از آن اصلاحات ارضی گسترده انجام شد، زمین بین کشاورزان خرده پا توزیع شد.

بسیاری از مردم قربانی جنگ کنتراها در دهه ۱۹۸۰ شدند. در آن جنگ سفارت امریکا آشکارا گفت: «اگر به راست ها رأی دهید جنگ تمام می شود.»

با این وجود، حتی در مرحله نئولیبرالی که پس از آن به وجود آمد، راست موفق نشد به طور کامل تغییرات روابط مالکیت پس از انقلاب را معکوس کند.

پس از پیروزی ساندینیست ها در انتخابات، سرمایه گذاری ها توانست افزایش یابد، همچنین با کمک مالی ونزوئلا.

امروزه بخش دولتی و کسب و کارهای کوچک خانوادگی ۶۰ درصد از اقتصاد نیکاراگوئه را تشکیل می دهند.

به همین دلیل است که کپی کردن تجربه نیکاراگوئه در هندوراس یا گواتمالا، چندان آسان نیست؛ در آنجا نیز به انقلابی مانند آنچه در سال ۱۹۷۹ در اینجا رخ داد نیاز است.

نیکاراگوئه بزرگترین کشور امریکای مرکزی است، حتی اگر تنها حدود ۶.۵ میلیون نفر در اینجا زندگی کنند. از نظر ژئوپلیتیکی مهم است، اتصال به اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام، کل جابجایی کالا از جنوب به شمال و بالعکس باید از طریق کشور انجام شود. نیکاراگوئه قوی یعنی امریکای مرکزی قوی.

**در المان در مورد نکاتی که شما اشاره کردید کمتر چیزی گفته و شنیده می شود. رسانه ها بیشتر می گویند که دانیل اورتگا یک دیکتاتور است، مخالفان اجازه فعالیت قانونی ندارند و مطبوعات تحت کنترل اند.**

**اما انتقادات از سوی چپ ها نیز وجود دارد. چند هفته پیش، پورتال وب پرنساکمونیتاریا در مورد محدودیت آزادی مطبوعات گزارش داد. بخش‌هایی از جنبش همبستگی با نیکاراگوئه در المان امروز بشدت از اورتگا انتقاد می‌کنند.**

**آزادی بیان و آزادی مطبوعات در نیکاراگوئه چطور؟**

من در یک محله مردمی در ماناگوا زندگی می کنم، همه در محله ما مرا می شناسند، من به خاطر تحلیل های سیاسی و حضور در تلویزیون شناخته شده ام. پیاده روی می کنم یا از وسایل نقلیه عمومی استفاده می کنم، هنوز هیچ مشکلی نداشته ام. افرادی هستند که نگاه ثروتمندان به جامعه را دارند، می گویند راست سیاسی کشور را بهتر اداره می کند و ما باید زیر رهبری و چتر حمایتی امریکا و اروپا برویم. فکر می کنم حدود ۳۰ درصد از مردم نیکاراگوئه این سمت و سوی سیاسی را دارند. اما جناح راست سیاسی برای پیشبرد کشور هیچ کاری نکرده است.

آنها ایده‌های محافظه‌کار-لیبرال را نمایندگی می‌کند، اما همیشه کشور را به‌عنوان سرمایه مالی خود می‌دید که «ایندیوس» در چنجا برای آنها کار ها را انجام می دهند.

همچنین Movimiento Renovador Sandinista (جنبش تجدید ساندینیستا) به رهبری ادموندو جارکوبین وجود دارد که در انتخابات گذشته به عنوان نامزد ریاست جمهوری شرکت کرد. در دهه ۱۹۷۰ او نماینده مواضع محافظه کار بود و مخبر سفارت ایالات متحده بود.

با نزدیک شدن پیروزی ساندینیستها در جنگ چریکی، او با توافق ایالات متحده به جنبش ساندینیستا پیوست. پس از شکست انتخاباتی FSLN در دهه ۱۹۹۰ بحث‌هایی در داخل حزب وجود داشت: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جناح روشنفکر که بسیاری از آنها سفیران خارج از کشور یا عضو کنگره حزب بودند، موضع گرفتند که تاریخ به پایان رسیده است، امپریالیسم پیروز شده است و جهت گیری دموکراسی نئولیبرال باید پذیرفته شود.

آنها نتوانستند خود را در حزب تثبیت کنند و در کنگره FSLN در سال ۱۹۹۴ مواضع آنها تنها توسط حدود پنج درصد از نمایندگان تأیید شد.

از این جنبش نوسازی ساندینیستا بیرون آمد، سال گذشته آنها کلمه «ساندینیستا» را کنار گذاشتند و اکنون خود را حزب دموکرات یا چیزی شبیه به آن می نامند، به عنوان ستون پنجم امپریالیسم ایالات متحده و اتحادیه اروپا در نیکاراگوئه فعالند.

### در سال ۲۰۱۸ چه شد که تظاهرات بزرگ ضد دولتی رخ داد، اعتراضاتی خوشونتبار که تعداد زیادی در آن کشته شدند؟

سرمایه داران و کارخانه داران به همکاری با دولت که در آن زمان وجود داشت پایان داده بودند. این یک کودتا بود، تلاش کلاسیکی برای به اصطلاح یک انقلاب رنگی.

خشونت علیه هواداران ساندینیستا، قتل، تجاوز، آتش سوزی رخ داد.

اما حتی روزنامه نگاران چپگرا نیز فقط از خشونت ارگان های دولتی علیه راسن ها گزارش می دادند. در انتخابات نومبر گذشته، خط امپریالیسم تحریم انتخابات بود. در تابستان امسال، گروهی از جوانان «جنبش های مترقی» می خواستند از نیکاراگوئه دیدن کنند - به قول خودشان با زندانیان سیاسی ملاقات کنند.

آنها اجازه ورود به کشور را نداشتند و همچنین نمی توانستند در مورد این که کدام سازمان آنها را دعوت کرده است اظهار نظر روشنی داشته باشند. از آنها توسط سازمان های امپریالیستی و راست سیاسی سوء استفاده می شود.

آیا فکر نمی کند همه چیز را خیلی ساده می گیرید؟ چند هفته پیش ماجرای ایرما ولاسکوز سروصدا به پا کرد. او یک انسان شناس بومی و چپگرا از گواتمالا است که در اواخر جولای هنگام ورود به فرودگاه در ماتانگوا، پایتخت نیکاراگوئه، دستگیر شد. بنا به اظهارات خودش، چمدان وی مورد تفتیش قرار گرفت و ساعت ها بدون ذکر دلیل بازداشت و در نهایت اخراج شد.

پرنساکمونیتاریا برای اینکار جواب روشنی یافت، از «رژیم» و «دیکتاتوری» در نیکاراگوئه صحبت کرد. آیا ایرما ولاسکز و پرنساکمونیتاریا نیز از عوامل امپریالیسم هستند؟

خیر، اما نفوذ کامل منافع امپریالیستی در منطقه وجود دارد. برخی از انقلابیون سابق نیکاراگوئه در کنار سفارت امریکا قرار گرفته اند.

برخی که زمانی مارکسیست-لنینیست های سرسختی بودند، اکنون به عنوان خائن به طبقه کارگر و منافع مردم عمل می کنند.

در امریکای لاتین جنبش های مردمی قوی ضد استعماری و ضد امپریالیستی وجود دارد، اما سردرگمی نیز وجود دارد.

سوسیال دموکراسی اروپایی و حزب دموکرات در ایالات متحده در تلاشند تا به امپریالیسم رنگ و لعاب مترقی بزنند.

ما به عنوان «Centro Regional de Estudios Internacionales» ارتباطات خوبی با شبکه «Abya Yala» «Soberana» (شبکه جنبش های اجتماعی در امریکای لاتین) داریم.

اولین جلسه سال گذشته در گواتمالا برگزار شد و قرار است امسال جلسه دیگری در مورد حقوق مردمان بومی برگزار شود.

نیکاراگوئه یک کشور چند ملیتی است، مردم بومی در نیکاراگوئه از خودمختاری برخوردارند.

### **در وب سایت مرکز خود از نظم جهانی جدید صحبت می کنید. این چیست و ایالات متحده هنوز چه قدرتی دارد؟**

ما در برابر این سؤال قرار داریم تا شکل تمدن خودمان، سوسیالیسم امریکای لاتین خود را ایجاد کنیم. اما ما همچنین به نوعی تمدن در سراسر جهان نیاز داریم که در آن به افرادی که مانند ما فکر نمی کنند نیز احترام بگذاریم.

ایالات متحده مشکلات ساختاری جدی دارد، در امریکای لاتین سرمایه گذاری نمی کند، چیزی برای ارائه ندارد. آنها در حال نابودی اقتصاد امریکای لاتین، اروپا و در نهایت اقتصاد خودشان هستند.

آنها می خواهند یک دیکتاتوری چند ملیتی و نئولیبرال ایجاد کنند.

از سوی دیگر، نظم جهانی جدید چند قطبی خواهد بود، با روسیه و چین به عنوان بازیگران جهانی، با عناصر سرمایه داری دولتی یا سوسیالیستی، شاید ترکیبی از هر دو.

ایالات متحده یک تهدید جدی برای قاره ما است، همانطور که سیاست های آنها علیه ما در نیکاراگوئه و علیه ونزوئلا نشان داد – کوبا بیش از ۶۰ سال است که از محاصره ایالات متحده بشدت رنج می برد.

مصاحبه: توربن آستن، کوتزالتانگو